

صبا در اشعار حافظ

پیک مشتاقان

دکتر هاشم محمدی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد گچساران

آن به مشام نمی رسد. همان قدر که یار و ساقی و می و مطرب و عاشق و معشوق طرف توجه و خطاب حافظ هستند، نسیم خنک و معطر صبا هم جلوه بی خاص دارد و در بسیاری از غزل ها در همان مطلع و با ذکر خیر او و یا خطاب به او آغاز می شود:

صبا به لطف بگو غزال رعنا را / که سر به کوه و بیابان تو داده ای

ما را

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست / منزل آن مه عاشق کش عیار

کجاست

ای هدهد صبا به صبا می فرستمت / بنگر که از کجا به کجا می

فرستمت

ای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آر / زار و بیمار غمم راحت

جانی بمن آر

ای صبا نکهتی از خاک ره یار بیار / ببر اندوه دل و مژدهی دلدار بیار

باد صبا با جلوه های گوناگون نزدیک به ۴۵ بار طرف خطاب قرار

گرفته است. بیشترین کاربرد به صورت صبا، ۷۶ بار و باد صبا ۲۳ بار

در اشعار حافظ آمده‌اند. عناوین و القاب دیگری هم چون هدهد صبا

(یک‌بار)، عیسی صبا (یک‌بار)، بلبل صبا (یک‌بار)، نسیم صبا و غماز

صبا و برید صبا هم هر کدام یک مورد به کار رفته‌اند و پیک صبا هم

سه بار استعمال شده است که مجموعاً در دیوان اشعار حافظ ۱۰۸

مورد کاربرد واژگانی دارد.

در اشعار دیگر شاعران فارسی زبان هم باد صبا یکی از مضامین

مهمی است که به عنوان مرغ، مرغ سلیمان، هدهد، هدهدصبا،

هدهدسلیمان و... یاد شده است.

صبا در دیوان خواجهی شیراز نقش‌های بسیاری دارد «صبا به

خوش خبری هدهدسلیمان نیست». قاصد میان عاشق و معشوق و

منتظر پیام معشوق بودن. عطر آشنای گیسو و زلف محبوب و نکهت

و رایحه‌ی دل انگیز از طرف محبوب و معشوق را به عاشق زار و بیمار

رساندن، نیز رساندن مژده‌ی بشارت و شادی و خوشحالی از موارد مهم

و عمده‌ی نقش صباست که سحرگاهان آهسته می خیزد و خرامان می

وزد. این نرم وزیدن و آهسته خیزی در زبان شعرا به بیماری صبا تعبیر

شده است.

چون این نسیم معطر و باطراوت آهسته خیز است و گاه می رود

و گاه می ایستد؛ همانند انسان بیماری که در هر چند قدم می ایستد و

□ یکی از قهرمانان و موجودات شعری فعال در دیوان لسان‌الغیب، صبا یا باد صباست که با نام‌های: نسیم سحر، نسیم بهشت، بادنوروزی، نسیم شمال، پیک صبا و... آمده که قاصد میان معشوق و عاشق و همانند سلیمان خوش‌خبر و رساننده‌ی عطر آشنای گیسو و نکهت یار غایب به مشام مهجور است.

صبا بادی است که از سمت مشرق یا شمال می وزد و باد برین هم

نام دارد. در المنجد بصورت اصباء و صبوات جمع بسته شده است.

برهان قاطع وزش این باد را بین مشرق و شمال شرقی ذکر کرده

است. علامه‌ی قزوینی در حاشیه‌ی ارزشمند دیوان حافظ: صبا را

بادی دانسته که صبح در وقت طلوع آفتاب از مشرق می وزد. در

منتهی الارب، صبا بدین صورت معنی شده: باد برین که جای وزیدن

آن از مطلع ثریا تا بنات النعش است و آن را قبول هم نامند خلاف

دبور». باد دبور در مقابل بادصبا قرار دارد که از طرف جنوب یا جنوب

غربی می وزد و آن را بادغربی هم می گویند. در فرهنگ‌های فارسی

بادها با نام‌های مختلف ذکر شده که نقش مثبت از آن باد صبا یا باد

شمال یا باد شمال شرقی است و با نام‌های باد برین، قبول، باد مشرق

و باد شرق هم آمده است.

باد ضد و مخالف صبا: دبور یا باد دبور یا باد سموم است که از

طرف جنوب یا جنوب غربی می وزد و گرم‌ازا و سموم آور است.

ناصرخسرو، شاعر پرآوازه‌ی قرن پنجم هجری به مقابله‌ی صبا و

شمال اشاره دارد:

صبا آید اکنون به عذر شمال / سحرگاه تازان سوی لاله زار

در حالی که اکثر شاعران و حافظ شیرازی صبا را در کنار شمال

ذکر کرده‌اند.

در تذکره‌الاولیای عطار آمده: بادی که از عرش می خیزد و آن به

وقت صبح می وزد بادی لطیف و خنکی است که نسیمی خوش دارد و

در اثر آن گل‌ها بشکفتد و عاشقان راز با او گویند و در اصطلاح

عبدالرزاق کاشی صبا نفحات رحمانیه است که از جهت مشرق

روحانیات می آید. مولوی هم این باد را در مقابل دبور آورده:

ز آن شناسی باد را که آن صباست / یا دبور است این بیان آن

جفاست

در دیوان هیچ یک از شاعران فارسی زبان به اندازه‌ی دیوان

خواجه حافظ هوای خوش و نسیم دلکش باد صبا و رایحه‌ی دل انگیز

نفس تازه می‌کند، از دیرباز در شعر فارسی و عربی بیمار و علیل و بی طاققت خوانده شده است. کمال الدین اسماعیل گوید:

نفس صحت جان می بخشد / گرچه چون باد صبا بیماری
(دیوان، ص ۳۵۰)

سلمان ساوجی:

پیوسته تا بود سبب صحت بدن / بیماری نسیم روانبخش در بهار
(دیوان، ص ۱۳۰)

عراقی:

دید چون عندلیب ضعف نسیم / به عیادت به مرغزار آمد
(دیوان، ص ۷۳)

ناصر بخارائی:

صبا افتان و خیزان گرد گل بسیار می گردد / ضعیف ست از
دویدن دم به دم بیمار می گردد

(دیوان، ص ۳۸)

حافظ هم بارها به بیماری نسیم صبا و تن بیمار و دل بی طاققت او اشاره کرده است. نسیم سحر باعث شکوفایی غنچه می شود و از بوی خوش او مددی به عاشق افسرده و فروبسته همانند (غنچه) می رسد و به سان گل سرخ از غنچگی به درآمده و شکفته می شود و راز دل خونین او را آشکار می سازد. یاد کرد غنچه و نسیم، ظرایف و حسن تعلیل های زیبایی را در شعر لسان الغیب پدیدار ساخته است. ناز و عتاب و کرشمه ی بارگاهی مانعی در راه وصال یا رسیدن خبری خوش می گردد و از نکات جالب و برجسته ی غمازی باد صباست که با پراکندن عطر گیسو یا بدن یار نمی گذارد وجود او پنهان بماند.

ترا صبا و مرا آب دیده شد غماز / و گر نه عاشق و معشوق راز داراند
چون دام طره افشانند ز گرد خاطر عاشق / به غماز صبا گوید که راز
ما نپنهان دارد

اولین بار و در اولین غزل هفت بیتی حافظ در بیت دوم، باد صبا نافه گشاست که از طره ی زلف معشوق عطرافشانی می کند و به مشام مشتاقان می رساند و رایحه و نکهت زلف گرهبگیر نگار را به همه جا می پراکند:

به بوی نافه ای ک آخر صبا زان طره بگشاید / ز تاب جعد
مشکینش چه خون افتاده در دل ها
خبر آوردن باد صبا از معشوق به عاشق از رایج ترین مضمون های
غزل است:

دوش آگهی ز یار سفر کرده داد باد
من نیز دل به باد دهم هر چه بادا باد
نسیم باد صبا دوشم آگهی آورد

که روز محنت و غم روبه کوتاهی آورد
صبا زان لولی شنگول سرمست / چه داری آگهی چونست حالش
گله ی دل مشتاق و دردمند را با باد صبا در میان می گذارند تا به
معشوق برساند و حافظ و بلبل هر دو عاشق اند و حکایت دل دادگی و
شیدایی را از زبان نسیم معطر صبا شنیدن جاذبه ی دیگری دارد:

سحر بلبل حکایت با صبا کرد / که عشق روی گل با ما چه ها کرد
تو آتش گشتی ای حافظ، ولی با یار در نگرفت
ز بدعه دی گل گویی حکایت با صبا گفتم

بوی خوش صبا که از جانب کوی یار می وزد، برای عاشق راحت
جان به همراه دارد و در بعضی ابیات به هیأت رقیب عاشق ظاهر شده
است و از وصال معشوق برخوردار ولی او نیز سرانجام در سلسله ی
زلف محبوب گرفتار می شود.

گرفتاری خوش تر ز رهایی:

صد باد صبا آن جا با سلسله می رقصند

این است حریف ای دل تا باد نییمایی

صبا تو نکهت آن زلف مشک بو داری / به یادگار بمانی که

بوی او داری

حلقه ی زلفش تماشاخانه ی باد صباست

جان صد صاحب دل آن جا بسته ی یک موی بین

خاک کوی یار خوش بوست. باد صبا که از آن جا می گذرد،

عطر آگین می شود و این باد خوش نفس از برای دل و جان عاشق

مژده ی رحمت و سلامت به همراه دارد.

نکتهت جانبخش دارد خاک کوی دلبران

عارفان آن جا مشام عقل مشکین کرده اند

از وظایف مهم باد صبا، عطرافشانی و نافه گشایی و رساندن

رایحه ی دل انگیز به مشعوق است. پیک بشارت و سروش شادی و

خوشحال است که رابط بین عاشق و مشعوق است.

صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را / که سر به کوه و بیابان تو داده

ای ما را

بیش از نیمی از غزلیاتی که در آن صبا پیام آور است، حکایت

نکتهت زلف مشک بوی یار و بوی معطر گیسوی دلدار و زلف

عبرافشان معشوق را حتا از جاهای دور دست و ساحل رود ارس به

منزل و محفل جانان می آورد. گاه هم چون هدیه ی تصویر شده که

به کشور سبا فرستاده می شود تا هم پیام آور باشد و هم راهنما. چون

هدهد سلیمان خوش خبر و حامل پیامی برای سوختگان باشد که بر

سر ره منتظرند. گاه باد صبا خود رقیب عاشق است و ناز و دلبری

معشوق می نماید. این موجود شعری فعال و پویا در اشعار حافظ

حضور چشم گیر و زنده و سر حال دارد. هر جا که بویی و اثری از

معشوق را بخواهند وی را طلب می کنند و از او استمداد می جویند.

حضور صبا، حضور معشوق است و بوی دل انگیز و نسیم خنکای

سحری آن رایحه ی دل انگیز معشوق را همه جا به مشام عاشق می

رساند و مشام او را نوازش دده و عطر آگین می سازد.

ای نسیم سحری خاک در یار بیار

که کند حافظ از او دیده ی خود نورانی

منابع و ماخذ

- ۱- برهان قاطع، با حواشی دکتر محمد معین، ذیل صبا.
- ۲- دیوان حافظ، تصحیح علامه ی قزوینی.
- ۳- دیوان ناصر خسرو، دکتر مهدی محقق، مجتبی مینوی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۰.
- ۴- حافظ نامه، بهاء الدین خرمشاهی، ۲ جلد، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
- ۵- تذکره الاولیای عطار، دکتر محمد استعلامی، انتشارات زوار، ۱۳۷۶.
- ۶- پرده ی گلریز، تکرار مضمون در کلام حافظ، دکتر ابراهیم قیصری، نشر توس، ۱۳۸۰.